

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین یوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological-Political

ایدئولوژیک – سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین – ۲۱ اکتوبر ۲۰۱۴

ابر و باد و مه و خورشید و فلک بحثی دیگر در مورد "افغان و افغانیت"

عنوان را از قطعه معروف حضرت سعدی شیرازی انتخاب کرده ام، که هشت صد سال پیش
زیر سایه مفکوره ای به ظاهر آراسته و پرتمکین، به ما به ارث گذاشته شده است:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد، که تو فرمان نبری

ایدال این قطعه را با قید "به ظاهر" مقید ساختم؛ چرا؟؟؟

برای این که محتوای آن بر مفکوره قرون وسطایی "انسان محوری عالم" استوار گردیده است.
نظر بدین مفکوره:

– انسان مرکز عالم است و اشرف مخلوقات

– انسان گل سر سبد و تاج سر کائنات است

– انسان اکیل آفرینش است

– انسان هدف و مرکز هستی و خلقت است

– همه چیز در دنیا در خدمت و برای خدمت به انسان خلق گردیده است

و ازین قبیل عبارات و شعارهایی که اگر در قرون قدیمه خریدار داشته اند، امروز و خصوصاً
در قرن بیست و یکم و در زمانی که علوم طبیعی دروازه های کشف و شرح حقایق کائنات و
آفرینش را باز کرده و باز کرده میروند، هیچ و کوچکترین اعتبار دارد!!!
کائنات با آن عظمت خود و با داشتن میلیاردها کهکشکان؛

هر کهکشان با داشتن میلیاردها نظام نظیر نظام شمسی ما؛ در نظر گرفتن عظمت نظام شمسی ما در برابر زمین در حدی، که کره زمین ذره ای ناچیز ازین سیستم شمرده میشود؛

و باز در همین کره زمینی که میلیاردها موجود از زنده جان و غیر زنده جان، وجود دارند: مگر عقل سلیم و منطق سالم باور کرده میتواند، که "انسان" - و به گفته مؤلف داستانهای امیر حمزه حاحقران "آدمزادِ سرسیاهِ دندانسفیدِ خیره سرِ دیگچه کون" - مرکز و هدف هستی و اشرف تمام موجودات عالم و کائنات باشد؟؟؟؟؟؟

از دید علوم طبیعی و با مد نظر گرفتن واقعیت‌های دنیای امروزی، محتوا و مفکوره مضمر در قطعه حضرت سعدی، یک نظر فقط و فقط منوط به انسان قرون وسطی شمرده میشود و بس!!! البته دید و نظر سعدی از منابع دینی آب میخورد، که با علم و بالخاصه علوم طبیعی امروز، هیچ سر و کار و سازگاری ندارد!!!

ازین قلم در همین زمینه تحت عنوان "در جهان هستی هیچ موجودی بیهوده نیست" (مؤرخ ۱۶ نومبر ۲۰۱۲) بالنسبه به تفصل سخن گفته شده و دید "اشرف المخلوقات" انسان مردود و باطل ساخته شده است.

از نگاه دین اسلام، که مبتنی بر نصوص قرآنی ست: وقتی از "انسان" حدیث می‌رود، مراد "جنس مذکر" است؛ یعنی هر جایی که درین کتاب "انسان" مخاطب قرار گرفته است، انسان نر و مذکر مد نظر بوده است. کسانی که اندک مایه ای از صرف عربی داشته باشند، در قرآن افعال و ترکیبات و جمله بندی‌های را در مورد "انسان" می‌یابند، که محض و محض متوجه "مرد"؛ یعنی "انسان نر" بوده میتواند. جهت درک و دریافت نسبی و فی الجمله باریکی‌های این موضوع، به مقاله مستقلی لازم می افتد، که در آن نکاتی چند از صرف عربی پیش کشیده شود. امید است که چنین مقاله ای را به زودی تقدیم نموده بتوانم؛ به هر صورت: "قرضم سر زاع، زاع زنده باشه!!!"

کتاب مستطاب "افغانستان - گلستان اقوام" را، که مجموعه ای از مقالات نویسندگان متعدد میباشد و به اهتمام دوست فرزانه من، عاشق دلدادۀ افغانستان، جناب ولی احمد نوری، در بهار ۲۰۰۸ در مطبعه "انتشارات بامیان" چاپ گردیده است، مرور می‌کردم، که در صفحه ۳۲۹ به منظومه ای از استاد سخن، استاد خلیل الله خلیلی (خلیلی افغان) رسیدم. بند اصلی و ترجیعی این منظومه اینست:

ای چشم جهان مانده به پیکار تو حیران

سردار همه قوم جهان "ملت افغان"

در این که آزادیپرستی و نبرد آزادیخواهانۀ افغانان در سراسر عالم شهرت یافته و شهرۀ آفاق گشته است، درین هیچ شک و شبهه ای وجود ندارد. مگر درین هم کوچکترین و بلکه هیچ شکی نیست، که "ملت افغان" را "سردار همه اقوام جهان" شمردن، یک دید غلط، برتریخواهانه و دور از واقعیت است.

نظیر این ترانه را از زمانۀ ظاهرشاه هم به یاد داریم، که در رادیوها و کنفرانسها به آواز بلند و در هیئت کورس خوانده میشد:

سردارِ قوم آریں

باشندگان این وطن

قوم آریں را بالاکشیدن و سپس بالا و برتر شمردن یک قوم بر اقوام دیگر آریائی نژاد - و هر نژاد دیگری که باشد - یک فکر شووینستی و رسیستی ست؛ و کاملاً مردود!!! اگر محتوای این ابیات و نظائر آن را نازکخیالی مبالغه آمیز شاعرانه شماریم، به هیچ وجه قابل پذیرش انسان آزاده و عدالتپسند بوده نمیتواند.

در همین ارتباط میخوام بر محتوای مقالۀ "افغان - افغانیت؛ افغانستانی - افغانستانیت" خود که در صفحات ۴۰۸ - ۴۰۹ این کتاب نشر گردیده است، رجوع کنم:

این مقاله، که در آن مقولۀ مطنطن و باعظمت "افغانیت" تشریح گردیده است، اخیراً به سلسلۀ نشر مقالات سابقه ام، در صفحۀ دهم اکتوبر ۲۰۱۴ پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" از حضور اشرف خواننده نیز گذشته است.

چنان که خوانندگان عزیز این مقاله یقیناً اعتراف خواهند کرد، درین نوشته صفات، خصائل و خصائص موجود و عینی افغانها یک به یک و یکایک برشمرده و زیر مقولۀ "افغانیت" گنجانیده شده است. کلمات "افغان" و "افغانیت" درین نوشته و دیگر نوشته های این سلسله، بر حکم تاریخ و جغرافیا و واقعیتها و تعامل اجتماعی و فرهنگی و منطق زبان، شرح داده شده است، که به هیچ وجه و صورتی از آن بوی برتری طلبی و عظمتخواهی قومی و نژادی به مشام نمیرسد!!!